

تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور

هوشنگ ناییبی*^۱ و بهنام لطفی خاچکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

چکیده

تأثیر روابط خانوادگی بر درونی‌کردن هنجارها و ارزش‌های جامعه می‌تواند مانع انحراف و تخطی از اصول و هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه باشد. روابط مذکور بر کاهش آسیب‌های اجتماعی موجود در سطح جامعه اثر به‌سزایی دارند؛ تحقیق حاضر نیز به دنبال بررسی این آثار است. نظریه‌های همبستگی اجتماعی امیل دورکیم، پیوند اجتماعی تراویس هیرشی، ایوان نای، رابرت سامپسون و جان لوب چارچوب نظری تحقیق حاضرند. فرضیه اصلی پژوهش این است که در استان‌هایی که پیوند و روابط خویشاوندی رو به سستی می‌نهد، آسیب‌های اجتماعی بیشتری گریبان‌گیر آن منطقه می‌شود. در مقابل با تقویت پیوندهای افراد و افزایش رابطه آنها با خویشاوندان خود، آسیب‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت. به منظور آزمون فرضیات تحقیق از تحلیل ثانویه داده‌های پیمایشی ملی و مجموعه داده‌های ثبتی استفاده شده است. طبق یافته‌ها، در اغلب استان‌ها هر اندازه میزان تعلق و وابستگی افراد به خانواده و بستگانشان بیشتر و گسستگی و بی‌ثباتی خانواده کمتر باشد، میزان آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در آن استان‌ها کمتر خواهد بود. البته برخی استان‌ها مانند ایلام استثنا بودند؛ پاسخگویی به چرایی این مسئله به تحقیقات جداگانه‌ای نیازمند است.

کلیدواژه‌ها: انحرافات اجتماعی، پیوندهای خویشاوندی، تحلیل ثانویه، نرخ جرائم، نظریه کنترل.

۱. نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. hnayebi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم اجتماعی مازندران. blotfi66@gmail.com

مقدمه

خانواده به عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد، اهمیت زیادی دارد. موضوع خانواده از زیربنایی‌ترین مباحث جامعه‌ماست و توجه به پیامدهای سستی پیوندهای خانوادگی^۱ و در مقابل آن، تحکیم خانواده اهمیت بسیار دارد. خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است. خانواده از طریق ایجاد پیوند میان نسل‌های مختلف، عامل انتقال میراث‌های فرهنگی خود به نسل‌های بعدی است.

اولین اثر محیطی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده است و حتی تأثیرپذیری فرد از سایر محیط‌ها، می‌تواند نشئت‌گرفته از همین محیط خانواده باشد. خانواده پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط‌مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در جامعه نقش مهمی بر عهده دارد. خانواده‌ها پیونددهنده فرد و اجتماع‌اند. انحرافات خانواده، عدم سلامت روانی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن، به لحاظ تأثیری که بر اعضای خود دارد، جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افراد پرورش‌یافته در خانواده وارد اجتماع می‌شوند و ویژگی‌های سالم یا ناسالم خود را، وارد اجتماع می‌کنند؛ از این نظر سلامت یک جامعه به سلامت خانواده‌های آن وابسته است.

از سوی دیگر می‌توان خانواده را مهم‌ترین کانونی دانست که جامعه از آن تغذیه می‌کند. به این ترتیب فرد در کنار تأثیری که از اجتماع خود می‌پذیرد، با آنچه از خانواده خود دریافت کرده است، محیط پیرامون خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین تأثیراتی علاوه بر مسائل پیرامونی و جزئی، در مسائل کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه نیز نقش دارند. به این ترتیب به نظر می‌رسد اصلاح یک جامعه و پیشرفت و ترقی همه‌جانبه آن، متأثر از اصلاح خانواده، توجه به اهمیت خانواده و آموزش افراد است.

طرح مسئله

فردی شدن، جداماندن خانواده‌ها از هم و سست‌شدن پیوندهای میان آنها، باعث کاهش تسلط هنجارهای اجتماعی بر افراد می‌شود و بدین طریق آنها را به سمت آسیب‌های اجتماعی

و جرائم سوق می‌دهد. البته باید توجه داشت مسئله اصلی پیش‌روی این تحقیق، نشان‌دادن این موضوع نیست که پیوندهای خانوادگی در جامعه ما رو به سستی گذاشته بلکه اثبات تأثیر این پیوندها بر میزان آسیب‌های اجتماعی در مناطق مختلف است.

در جوامع صنعتی رشد و پیشرفت‌های تکنولوژیک موجب تخصصی‌شدن مشاغل شد، به تحرک مکانی و به دنبال آن تحرک شغلی دامن زد و افراد را به ترک دیار اصلی خود و روی آوردن به مراکز تحولات مجبور ساخت؛ بدین صورت افراد به استقلال مالی دست یافتند و توانستند اولین تجربه خود را با ایجاد خانواده‌های هسته‌ای و جدایی از خویشاوندانشان به دست آورند. در کنار این دگرگونی‌ها، انگیزه‌های جدید فرهنگی برای نسل‌های جوان، باورها و اعتقادات قبلی را فروپاشید و آنها را هرچه بیشتر از خویشاوندان دور و به دوستان نزدیک کرد. بدین‌سان در این جوامع، گروه‌های خویشاوندی^۱ اهمیتشان را به مرور از دست دادند و افراد صرفاً در زمان تعطیلات، جشن‌ها و یا سوگواری‌ها، خویشاوندان دور و نزدیک خود را می‌دیدند.

تداوم و تشدید چنین روندی، به تدریج باعث جدایی هرچه بیشتر افراد از نهاد خانواده، شکل‌گیری خانوارهای مؤسسه‌ای و خانواده‌های جدامانده از ریشه‌های نَسبی خود می‌شود. این سیر رو به رشد باعث سست‌شدن و ضعف کنترل اجتماعی بر افراد از سوی یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، یعنی خانواده خواهد شد. این امر پیامدهای ناخواسته و نامطلوب بسیاری را به همراه خواهد داشت که یکی از آنها افزایش آسیب‌های اجتماعی است. کشور ایران نیز که روند هسته‌ای و گسسته‌شدن نهاد خانواده در آن گسترش یافته است، از پیامدهای چنین روندی مصون نخواهد ماند.

در تمام جوامع بشری، خانواده به منزله اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده است (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۱۱). کاهش پیوندهای خانوادگی در دهه‌های اخیر، خانواده را بیش از پیش تنها گذاشته و در حل مشکلات خود ناتوان‌تر ساخته است. غلبه فرهنگ فردگرایی، بیش از هر چیز در حس استقلال‌طلبی و فرار از تعهدات مؤثر بوده است. همین فرهنگ، زمینه کاهش حس تعاون اجتماعی و پیوندهای گروهی را فراهم کرده است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴). بُعد مسئله‌شناختی این موضوع زمانی

آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم کاهش و سستی این پیوندها، می‌تواند آثار مختلفی بر افراد داشته باشد که یکی از آنها، افزایش وقوع جرائم و بزهکاری‌هاست.

دگرگونی‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر، در کاهش همبستگی خانوادگی و بی‌توجهی به ارزش‌های گروهی مؤثر بوده است و به دنبال آن، همدلی و همیاری که مهم‌ترین دغدغه خانواده سنتی بود، رنگ باخته و حمایت‌های عاطفی کاهش یافته است. خانواده گسترده امروزی که در گذشته، به‌ویژه در اوایل تشکیل خانواده و در هنگام بروز مشکلات، امدادسانی می‌کرد، به دلیل ضعف ارتباطات و کاهش همبستگی، قادر به ورود ثمربخش در زندگی آنان نیست. به تبع آن نقش کنترلی و نظارتی خانواده که غالباً والدین آن را اعمال می‌کنند، رو به افول است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۲). با کاهش نقش کنترلی و ضعف نظارت‌های اجتماعی^۱ از سوی خانواده و وقوع برخی آسیب‌های اجتماعی^۲ در جامعه، به عنوان پیامد این مسئله، اهمیت پرداختن به چنین موضوعی دو چندان می‌شود.

در مقابل، تقویت انسجام خانوادگی^۳، باعث فعال‌شدن شبکه همیاری طایفه‌ای با هدف حمایت، مراقبت و کنترل می‌شود و بار مسئولیت دولت را برای حل معضلات اجتماعی کاهش می‌دهد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴). این وضعیت موجب شکل‌گیری روحیه قبول ارزش‌های مشترک حاکم بر شبکه خانوادگی می‌شود که حفظ اعضا در مسیر بهنجار جامعه و دوری آنها از گرایش به جرائم و انحرافات اجتماعی را به دنبال دارد.

خانواده جزو عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است، واحد و نمادی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، روانی، اقتصادی، حقوقی و جامعه‌شناختی. خانواده همانند آینه انعکاسی از نابسامانی‌های اجتماعی است. از این دیدگاه خانواده معیار شناخت و سنجش آسیب‌های اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)؛ بنابراین شناخت روابط درون خانواده‌ها و روابط و پیوندهای بین آنها، راهی است برای درک بهتر مسائل و آسیب‌های اجتماعی موجود در سطح جامعه که خود می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای مقابله با این آسیب‌ها.

خانواده ایرانی، چه در شکل گذشته که دارای کارکردهای زیادی چون کنش‌های جنسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و ... بود و چه در شکل فعلی که به علت دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کارکردهای محدودتری دارد، همچنان مرکز حمایت عاطفی برای اعضای

1. social controls
2. social deviance
3. family cohesion

خود است. این پیوستگی، در خانواده موجود در جامعه سنتی و خانواده شهرهای بزرگ وجود دارد. پدر تا آخرین لحظات حیات خود، پشتیبان فرزند خود به شمار می‌رفته و می‌رود. حمایت وی اگرچه تا سنین معینی از عمر فرزند جنبه اقتصادی دارد، اما جنبه عاطفی خود را تا پایان عمر از دست نمی‌دهد. در جوامع غربی شاید بیرون رفتن فرزند از خانواده به عنوان پایان تسلط اقتصادی و اجتماعی والدین بر فرزندان باشد، اما در ایران فرد به نوعی همبستگی خاص خود را با خانواده پدر و مادری حفظ می‌کند (ارمکی، ۱۳۸۶: ۹۱). در اینجا قصد ما تا حدی سنجش میزان چنین رابطه‌ای است که در ملاقات، دیدوبازدیدها و خبرگیری‌های اعضای خانواده پس از جداشدن از هسته اولیه خود و تلاش برای حفظ رابطه خود را نشان می‌دهد. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که در خانواده ایرانی چنین پیوندهایی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بسیاری دارد. در این تحقیق یکی از این جنبه‌ها را بررسی خواهیم کرد.

با اینکه انسان معاصر به لحاظ مفهومی، پیوندی گسست‌ناپذیر با فردیت^۱ دارد، می‌توان گفت هسته اصلی جامعه ایرانی خانواده است و نه فرد. فرد در درون خانواده سامان می‌یابد و با جامعه مرتبط می‌شود. فردیت ایرانی در تعامل با خانواده است نه در تعارض با آن. این وضعیت خاص جامعه ایرانی است که فردیت معاصر ایرانی خانواده‌مدار است؛ بنابراین این موضوع به عنوان یکی از ابعاد اهمیت مطالعات خانواده قابل تأمل است. نکته اینکه به‌رغم گذشت زمان و کاهش اهمیت پیوندهای خویشاوندی، در برخی جوامع، خویشاوندی بنیان روابط اجتماعی است. در این جوامع، خویشاوندی تنها نوعی نهاد اجتماعی نیست، بلکه عامل اصلی تجمع افراد در درون شبکه موجود در جامعه و معیار اصلی تشکیل گروه‌ها و اجتماعات است (چیل، ۱۳۸۸: ۲۴۰). اهمیت پیوندهای خویشاوندی زمانی آشکارتر می‌شود که آن را عامل بازدارنده انحرافات اجتماعی و کنترل‌کننده افراد مرتبط با این شبکه‌ها بدانیم.

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق این است که نشان دهد با فردی‌تر شدن خانواده‌ها، آسیب‌های اجتماعی افزایش و در مقابل با تقویت پیوند افراد، آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. به طور مشخص پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا در زمان ثابت، در

1. individuality

استان‌هایی که پیوندهای خانوادگی مستحکم‌تر و فردی‌شدن خانواده پایین‌تر است، آسیب‌های اجتماعی کمتری وجود دارد؟

هدف تحقیق اثبات این موضوع است که در استان‌هایی که پیوندها و روابط خانوادگی سست‌تر باشند، آسیب‌های اجتماعی بیشتری گریبان‌گیر آن منطقه خواهد شد. در مقابل هر چه افراد و خانواده‌ها، روابط نزدیک‌تری با هم داشته باشند، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در آن استان کمتر خواهد بود. تحقیق پیش رو درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا بین میزان روابط خویشاوندی و آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در استان‌های مختلف پیوستگی و رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

انحراف^۱ به عنوان رفتار یا ویژگی‌هایی تعریف می‌شود که برخی مردم در یک جامعه آن را متجاوزانه و سزاوار سرزنش می‌یابند و اگر کشف شود، عدم تأیید، مجازات و محکومیت نسبت به انجام‌دهنده عمل یا دارنده آن ویژگی را در پی دارد (گود^۲، ۱۹۹۷: ۲۶). اگرچه این تعریف بیشتر مورد قبول جمع‌های دانشگاهی است، اجماعی بر سر آن در بین دانشگاہیان یا افکار عمومی وجود ندارد. اعتقاد مسلط جامعه‌شناسان امروزی، نسبی بودن مفهوم انحراف است؛ آنچه در یک مکان یا زمان قابل قبول است، در مکان و زمان دیگر قابل پذیرش نیست (دریتی^۳، ۲۰۰۸: ۳۵۳).

انحراف و کجروی رفتار شکننده هنجار است یا رفتاری که قواعد، برداشت‌ها یا توقعات هنجاری نظام‌های اجتماعی را نقض می‌کند (کوهن^۴، ۱۹۶۸: ۱۴۸). آن را رفتار مخالف با مرسوم در جامعه و غیر منطبق با ارزش‌ها، الگوها و هنجارهای موجود جامعه نیز (قائم‌مقامی، ۱۳۵۵: ۱۳۶) ذکر کرده‌اند. تعریف دیگر کجرفتاری عبارت است از هر رفتاری که اکثریت یک گروه معین، نپذیرفتنی تلقی می‌کنند، یا به طور نوعی، پاسخ جمعی منفی را برمی‌انگیزاند (تایتل، ۱۹۹۵) انحراف، فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نمی‌کنند (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۱۵). به طور ساده اصطلاح کجرفتاری

1. deviance
2. Goode
3. Darity
4. cohen

می‌تواند به عنوان رفتار بی‌هنجارانه واقعی یا ادعاشده تعریف شود که در صورت کشف، می‌تواند مجازات رسمی یا غیر رسمی را به دنبال داشته باشد. رفتار کجروانه نقض‌کننده هنجار است که کنترل اجتماعی را به همراه دارد (ترنر، ۲۰۰۶: ۱۳۵). هر عمل یا بیانی از اعضای جامعه که نوعی تجاوز به هنجارهای گروهی باشد، رفتار انحرافی نامیده می‌شود (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۳).

بوڈن انحراف را رفتاری می‌داند که مخرب زندگی باشد، مورد سرزنش قرار گیرد و یا موجب لطمه و جریمه شود (بودن^۱، ۱۹۸۹: ۸۷). کلینارد نیز انحراف را موقعیت‌هایی می‌داند که انسان تا حدی برخلاف مسیر مورد قبول جامعه رفتار کند و جامعه توان تحمل آن را نداشته باشد (کلینارد^۲، ۱۹۶۴). می‌توان گفت توافقی اساسی، هرچند نانوشته، وجود دارد که کجروی، رفتاری ممنوع شده^۳ است که در معرض اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار گیرد و احتمالاً نوعی تنبیه و مخالفت را در پی دارد. چندان اهمیت ندارد که چه کسی این ممنوعیت را وضع کرده یا اینکه چه تعدادی از مردم، از آن حمایت می‌کنند (داونز و راک^۴، ۱۹۹۸: ۲۶). در این مقاله با پذیرش این فرض که قوانین وضع شده در یک کشور معین، بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول اکثر جامعه، بنا نهاده شده‌اند، جرائمی که در ادامه خواهند آمد، انحرافات اجتماعی شناخته می‌شوند.

با بررسی مجموعه رویکردهای موجود در زمینه آسیب‌های اجتماعی، به این نتیجه می‌رسیم که نظریه کنترل اجتماعی^۵ قرابت بیشتری با موضوع تحقیق دارد؛ بنابراین چارچوب نظری پژوهش را بر مبنای آن شکل خواهیم داد. در این زمینه دو نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم و پیوند اجتماعی هیرشی، بیشتر مورد توجه‌اند؛ به ویژه چهار عنصر پیوند فرد و جامعه که هیرشی آنها را وابستگی^۶، تعهد^۷، درگیری^۸ و ایمان^۹ می‌داند. اینکه پیوندها و روابط خانوادگی^{۱۰} چگونه این کنترل را به وجود می‌آورد، در ادامه بررسی خواهد شد.

-
1. boudon
 2. clinard
 3. banned
 4. Downes & Rock
 5. social control theory
 6. attachment
 7. commitment
 8. involvement
 9. belief
 10. family relationship

نظریه کنترل در قالب رویکرد فردی و اجتماعی - ساختاری، وقوع جرائم و کجروی را تبیین می‌کند (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۵). به بیان دیگر، این نظریه بر اساس ضعف و ناکارآمدی فرآیند کنترل در جامعه در دو بُعد درونی (شخصی) و بیرونی (اجتماعی) جرائم را تحلیل کرده و مدعی است وقتی کنترل‌ها ضعیف یا از هم پاشیده باشد، رفتار کجروانه ظاهر می‌شود. نظام کنترل شخصی عوامل فردی و به‌ویژه روان‌شناختی از جمله خودپنداری، خودتنظیمی یا خودکنترلی را به عنوان عوامل اساسی کنترل در نظر می‌گیرد. با توجه به اینکه کنترل درونی و شخصی بیشتر جنبه فردی و روانشناختی دارد تا ابعاد جامعه‌شناختی، آنچه در این تحقیق مورد توجه ماست همان کنترل اجتماعی است.

امروزه، اصطلاح کنترل اجتماعی برای ارجاع به برخی اشکال پاسخ‌های سازمان‌یافته به رفتار بزهکارانه، مجرمانه، نگران‌کننده و دردسرافرین، استفاده می‌شود (ترنر، ۲۰۰۶: ۵۷۱). گاهی نیز کنترل اجتماعی به جنبه‌های هنجارمند زندگی اجتماعی و ممانعت‌ها، اتهام‌ها و تنبیهات مربوط می‌شود (بلاک^۱، ۱۹۷۶). نظریه کنترل اجتماعی بر این پندار است که قدرت بستگی‌های اجتماعی قراردادی، با احتمال درگیری فرد در رفتار بزهکارانه، رابطه معکوس دارد (ولد، برنارد و اسنیس، ۱۳۸۸: ۴۰۸).

طبق نظریه دورکیم، اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی؛ یعنی نیرویی کششی که افراد یک جامعه را به هم می‌پیوندند، قوی باشد، اعضای آن همنوایی بیشتری با ارزش‌های جامعه خواهند داشت. ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به رفتار مجرمانه کشیده شوند (دورکیم، ۱۳۸۷: ۶۲). باید دانست که روابط و پیوندهای خویشاوندی در یک جامعه از جهاتی، نشان‌دهنده قوت همبستگی‌های اجتماعی است و می‌تواند باعث کنترل میزان آسیب‌های اجتماعی در جامعه شود. در این مدل سعی کردیم مفهوم کلی «روابط و پیوندهای خویشاوندی» را با دو شاخص اصلی عملیاتی کنیم.

همان‌طور که والتر رکلس در نظریه مهار^۲ خود درباره مهار بیرونی، معتقد است، احساس تعلق به گروه، همبستگی اعضا و کنترل و نفوذ گروه بر اعضایش، قدرت تحمل و مقاومت در برابر هنجارشکنی را به فرد می‌دهد (حسینی‌نثار، ۱۳۹۰: ۱۰۳)، دیدگاه او نیز در ترسیم مدل نظری این تحقیق استفاده شده است.

1. Black

2. Containment Theory

از دیدگاه ایوان نای^۱ نیز در ترسیم مدل نظری تحقیق استفاده شده است. او تأکید داشت که خانواده مهم‌ترین سرچشمه کنترل اجتماعی برای افراد است و روابط خانوادگی بهتر، با فعالیت‌های بزهکارانه کمتر همبستگی دارد (نای، ۱۹۸۵). وی از یک طرف اعتقاد دارد خانواده از طریق نظارت غیر مستقیم- میل به رفتار مطابق با انتظارات خانواده- باعث تقویت پیوند اجتماعی و دوری فرد از کجرفتاری می‌شود. این اجتناب از کجرفتاری، بر وابستگی عاطفی فرد به خانواده استوار است و هرچه وابستگی عاطفی بیشتر باشد، احتمال بزهکاری کمتر است (حسینی‌نثار، ۱۳۹۰: ۱۰۲). در مدل نظری حاضر نیز این تعلق و وابستگی نشان داده خواهد شد. از طرف دیگر نای مهم‌ترین منبع کنترل را کنترل غیر مستقیم می‌داند که از روابط خانوادگی ناشی می‌شود. نظریه او نشان می‌دهد کسانی که روابط خانوادگی باثبات‌تری دارند، کمتر به سمت اعمال مجرمانه و آسیب‌های اجتماعی سوق پیدا می‌کنند (ولد، برنارد و اسنیپس، ۱۳۸۸: ۲۷۴). در مدل نظری به این ثبات توجه می‌شود.

پراکاربردترین نظریه در ترسیم مدل نظری تحقیق، پیوند اجتماعی تراویس هیرشی^۲ است. به اعتقاد وی افرادی که به گروه‌های اجتماعی، همانند خانواده وابستگی بیشتری دارند، احتمالاً کمتر مرتکب اعمال بزهکارانه شوند. کجرفتاری زمانی رخ می‌دهد که پیوند فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شود. مهم‌ترین عنصری که این پیوند را شکل می‌دهد، وابستگی به دیگران است که مبنای اصلی درونی کردن هنجارها به شمار می‌رود (ممتاز، ۱۳۸۷: ۱۲۱). فرض تحقیق حاضر بر این است که هرچه پیوندها و روابط خویشاوندان قوی‌تر باشد، وابستگی و تعلق اعضا به شبکه خویشاوندی نیز بیشتر است؛ وقتی دلبستگی و تقید افراد به خانواده بالا باشد، روابط و تماس‌های آنان بیشتر خواهد شد و این امر تا حدودی تسلط و تحکم هنجاری خانواده بر اعضا را تضمین می‌کند. این تسلط در نهایت، تقویت‌کننده پیوند اجتماعی فرد و جامعه خواهد بود که به تعبیر هیرشی عامل بازدارنده کجرفتاری افراد است.

عنصر پیونددهنده دیگری که هیرشی بر آن تأکید دارد، تعهد است؛ روابط بیشتر با اعضای خانواده، یعنی احساس تعهد و پایبندی فرد نسبت به شبکه خویشاوندی و به واسطه این عنصر مهم، به تعبیر جاکسون توبی، «مخاطرات در همنوایی»^۳ بالا ایجاد می‌شود. منظور این است که چقدر شخص به هنگام ارتکاب کجرفتاری می‌بازد؛ یعنی در صورت ارتکاب به رفتار

1. F. Ivan Nye

2. Travis Hirschi

3. Stakes in conformity

بزهکارانه^۱، چه چیزهایی را از دست می‌دهد و چه خطرهایی را متحمل می‌شود (توبی، ۱۹۵۷)؛ بنابراین وقتی شخصی به شبکه و گروهی فرافردی متصل است، می‌داند که در صورت نزدیکی به اعمال کجروانه، نه تنها خود بلکه شبکه وسیعی را به مشکل شخصی درگیر کرده است؛ بنابراین برای کجروشدن باید هزینه و خطر بالایی را بپذیرد و این همان مخاطرات در همناوی بالاست؛ در این صورت به احتمال بیشتر فرد همناوی را انتخاب کند.

عصر سوم مورد نظر هیرشی مشارکت است. این عنصر، بیانگر میزان مشارکت و درگیری در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است که فرد را در معرض اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد (داوری و سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۹۲). بر این اساس وقتی افراد تماس و ارتباط بیشتری با شبکه خویشاوندی داشته باشند، متعاقباً مشارکت بالاتری با اعضای خانواده خواهند داشت. به تعبیر دیگر به لحاظ فردی، هنگامی که شخصی روابط صمیمانه‌تر و مشارکت بیشتری با اعضای خانواده خود داشته باشد، به تبع آن، پیوند قوی‌تری بین فرد و گروه برقرار خواهد شد که در نهایت می‌تواند دوری‌گزینی شخص از انواع نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی را در پی داشته باشد.

هیرشی^۲ دریافت که صرف نظر از نژاد، طبقه و یا بزهکاری دوستان، پسرانی که وابستگی نزدیک‌تری به والدین خود دارند، نسبت به آنهایی که وابستگی کمتری دارند، احتمالاً کمتر اعمال بزهکارانه را گزارش می‌دهند (هیرشی، ۱۹۶۹: ۹۷). اگر این استدلال را بپذیریم که اگر افراد در خانواده راه‌یابی^۳، روابط صمیمی و باثبات‌تری با هم داشته باشند، بعد از ازدواج نیز، این پیوندها بین خانواده فرزندی^۴ فعلی و خانواده راه‌یابی سابق حفظ خواهد شد تا حدی به فرض مورد بررسی در این تحقیق نزدیک خواهیم شد.

رابرت سامپسون^۵ و جان لوب^۶ استدلال می‌کنند که بستر خانوادگی شخص به بهترین شکل بزهکاری افراد را تبیین می‌کنند (کولمن^۷، ۱۹۸۸: ۷۱). پیامد سستی روابط عاطفی والدین و فرزندان می‌تواند قطع ارتباط فرزندان با والدین بعد از ورود آنها به دوران بزرگسالی باشد که بعد از آن انواع انحرافات اجتماعی شکل خواهد گرفت. به زعم این دو، کیفیت و قدرت

1. Delinquent behaviour

2. Hiirschi

3. orientation family

4. reprocreation family

5. Robert sampson

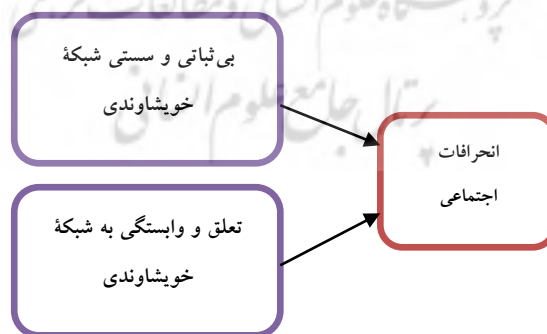
6. John laub

7. Coleman

پیوندهای اجتماعی، قوی‌ترین تأثیر را بر درگیری شخص در رفتار مجرمانه خواهد گذاشت. آنها این پیوندهای اجتماعی را نوعی سرمایه اجتماعی می‌نامند که به روابط میان اشخاص مربوط است (سامپسون^۱، ۱۹۹۳: ۲۴۷). توسعه پیوندهای اجتماعی در زندگی شخص می‌تواند احتمال ارتکاب به جرم و کجرفتاری را کاهش دهد. با توجه به اینکه روابط خانوادگی را می‌توان به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی افراد تلقی کرد، دیدگاه مذکور به شکل‌دهی چارچوب نظری تحقیق ما کمک خواهد کرد.

در مورد تأثیرپذیری انحرافات اجتماعی از «تعلق به شبکه خویشاوندی»، می‌توان گفت روابط و پیوندهای خویشاوندی، به واسطه ایجاد سرمایه اجتماعی بالا برای اعضا و حس تعلق آنها به شبکه خویشاوندی، می‌تواند باعث جلوگیری از گرایش آنها به انواع کجروی‌ها و بزهکاری‌ها شود.

نکته پایانی اینکه همانند نظریه سامپسون و لوب، چارلز تیتل^۲ نیز بر نقش پیوندهای خانوادگی در کاهش بزهکاری تأکید دارد و معتقد است در دوره‌های مختلف زندگی فرد، این پیوندهای اجتماعی‌اند که به عنوان عامل کنترل، مانع گرایش افراد به رفتارهای کجروانه می‌شوند. او بیان می‌دارد افرادی که با پدر و مادرشان پیوند خوبی ندارند، ممکن است نتوانند پس از دوره نوجوانی دوباره پیوند بخورند و بنابراین این احتمال وجود دارد که به مجرمان همیشگی بدل شوند (تیتل، ۱۹۹۵: ۸۲-۸۱). مدل نظری تحقیق از مجموع رویکردهای نظری مذکور بر اساس تأثیر دو عامل که یکی نقش ایجابی دارد و دیگری نقش سلبی، ترسیم می‌شود.



نمودار ۱. مدل تحلیلی تأثیر «روابط و پیوندهای خویشاوندی» بر میزان انحرافات اجتماعی

1. Sampson
2. Charles tittle

طبق مدل که متغیر وابسته، انحرافات اجتماعی است، هرچقدر بی‌ثباتی و ضعف پیوندهای شبکه خویشاوندی بیشتر باشد، میزان انحرافات اجتماعی نیز بالاتر خواهد بود. «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» تبیین‌کننده میزان وقوع انحرافات اجتماعی در سطح جامعه است. این شاخص خود از دو بُعد تشکیل شده است: یک بُعد آن «گسستگی خانواده» و دیگری «بی‌ثباتی خانواده» نام دارد که در ادامه در مورد آنها توضیح خواهیم داد. این مجموعه متغیرها نشان‌دهنده سستی و ضعف شبکه خویشاوندی‌اند و این تحقیق بر آن است تا اثر این ضعف را بر میزان انحرافات اجتماعی بررسی کند.

شاخص مذکور، وجه منفی دارد؛ یعنی با افزایش آن میزان انحرافات نیز افزایش خواهد یافت؛ اما در اینجا شاخص مثبتی نیز وجود دارد که باید آن را «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی» نامید. هر چقدر این تعلق بیشتر باشد، میزان انحرافات اجتماعی نیز پایین‌تر خواهد بود؛ بنابراین خود این دو شاخص در مقابل هم قرار خواهند گرفت و رابطه معکوسی با هم خواهند داشت؛ به طوری که با افزایش یکی، دیگری کاهش می‌یابد. این شاخص ترکیبی از میزان و شیوه ارتباط افراد با خویشاوندان و بستگان است.

فرضیات

فرضیات تحقیق شامل موارد زیر است:

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین «گسستگی خانواده» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین «بی‌ثباتی خانواده» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین «ارتباط حضوری با بستگان» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین «ارتباط تلفنی با بستگان» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.

روش تحقیق

روش اصلی این پژوهش تحلیل ثانویه^۱ است. این روش مبتنی بر استفاده از داده‌هایی است که مؤسسه‌ها یا محققان دیگری گردآوری کرده‌اند. با دستیابی به این اطلاعات کل مراحل ساخت پرسشنامه، اجرای آن و نمونه‌گیری حذف می‌شود. تحلیل ثانویه با مزیت سرعت بیشتر، کاهش هزینه و نمونه عالی، میدان تحقیق را بر روی طیف گسترده‌ای از محققان باز می‌کند. این روش امکان تحلیل مقایسه‌ای و طولی را نیز به پژوهشگر می‌دهد (دواس، ۱۳۸۵: ۸۱).

شایان ذکر است مطالعه تجربی و ثانویه پژوهش حاضر، شامل استفاده از دو نوع اطلاعات است؛ قسمت اول داده‌های پیمایش ملی با نام «بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور» است که با حدود ۱۷۰۰۰ نمونه در کل استان‌ها، در اسفندماه ۱۳۸۹ آغاز شده و تا اوایل سال بعد به طول انجامید. از بخشی از پرسشنامه این طرح که مربوط به پیوندهای خویشاوندی است، استفاده خواهد شد. قسمت دوم نیز مجموعه داده‌های ثبتی خام و بعضاً نرخ‌بندی شده مربوط به آمار وقوع جرائم و آسیب‌های اجتماعی مختلف، به تفکیک هریک از استان‌ها است.

در ادامه، جدول مربوط به استان‌هایی که در تحقیق از اطلاعات مربوط به آنها استفاده شد و تعداد نمونه انتخاب شده در هریک از آنها برحسب جنسیت آمده است.

جدول ۱. نمونه انتخاب شده در استان‌ها در پیمایش ملی «بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور»

نام استان‌ها	مرد	زن	تعداد کل نمونه هر استان
گلستان	۲۰۰	۲۹۶	۵۰۳
گیلان	۱۹۸	۲۹۳	۴۹۸
مازندران	۲۰۸	۲۷۷	۴۹۱
تهران	۵۹۵	۷۱۳	۱۳۲۲
سمنان	۱۹۸	۳۶۷	۵۷۱
قزوین	۲۶۷	۲۸۵	۵۵۹
قم	۲۹۰	۲۰۵	۴۹۹
مرکزی	۲۹۳	۲۴۴	۵۴۵
اصفهان	۲۴۹	۳۸۹	۶۴۷
چهارمحال بختیاری	۲۰۵	۲۸۸	۴۹۷
یزد	۳۱۳	۳۰۳	۶۱۶
اردبیل	۲۷۷	۲۲۵	۵۰۲
آذربایجان شرقی	۳۰۰	۲۴۱	۵۴۱
آذربایجان غربی	۲۳۰	۲۷۷	۵۰۷
زنجان	۱۶۹	۳۲۸	۴۹۷
خراسان جنوبی	۱۹۱	۳۰۷	۴۹۸
خراسان رضوی	۳۱۶	۱۹۸	۵۱۴
خراسان شمالی	۳۴۲	۱۵۲	۴۹۴
خوزستان	۴۳۸	۲۱۲	۶۵۰
لرستان	۲۶۳	۲۴۲	۵۰۵
بوشهر	۲۱۷	۳۱۳	۵۳۰
فارس	۲۸۳	۳۰۵	۵۸۸
کهگیلویه و بویراحمد	۲۹۳	۲۰۷	۵۰۰
هرمزگان	۲۶۴	۱۸۸	۴۵۲
ایلام	۳۱۳	۱۹۴	۵۰۷
کردستان	۳۰۵	۱۹۲	۴۹۷
کرمانشاه	۳۳۵	۲۰۷	۵۴۲
همدان	۲۱۰	۲۸۷	۴۹۷
سیستان و بلوچستان	۴۹۰	۴۳۲	۹۲۲
کرمان	۲۳۶	۲۶۶	۵۰۲
جمع کل	۸۴۸۸	۸۴۳۳	۱۷۰۹۶

تعداد افرادی که جنسیت خود را مشخص نکردند در جدول فوق نیامده است. پیمایش ملی مذکور در همه استان‌های کشور صورت گرفت و در تحقیق حاضر نیز از داده‌های همه استان‌ها به صورت تمام‌شمار استفاده شد.

تحلیل ثانویه حاضر، بر اساس مجموعه اطلاعات موجود، انجام خواهد شد. اگرچه در این تحقیق به استان‌ها توجه شده و میزان آسیب‌های اجتماعی و شاخص‌های مربوط به روابط خویشاوندی با همین تفکیک بررسی خواهند شد، واحد تحلیل همان افرادند.

در ادامه ماتریس عملیاتی هر یک از متغیرهای اصلی تحقیق را نشان خواهیم داد.

جدول ۲. ماتریس عملیاتی شاخص «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی»

متغیر	ابعاد	خرده‌بعد	نحوه سنجش	پاسخ	نمره در استان
«بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی»	گسستگی خانواده	نرخ طلاق در هر ده هزار نفر	تقسیم تعداد طلاق سال ۸۸ بر جمعیت استان و ضرب در ۱۰۰۰۰	نرخ طلاق در هر ده هزار نفر	نرخ طلاق
	بی‌ثباتی خانواده	قطع رابطه با بستگان به خاطر کدورت	آیا در بین بستگان شما کسی هست که به علت کدورت خانوادگی، با او رابطه نداشته باشید؟	بله=۱۰۰ خیر=۰	
		طلاق در بین بستگان	آیا در بین بستگان درجه یک شما افرادی وجود دارند که با همسر خود متارکه کرده باشند؟	بله=۱۰۰ خیر=۰	
		فرار از منزل در بین بستگان	آیا در بین بستگان شما خانواده‌ای وجود دارد که یکی از اعضای آن از منزل فرار کرده باشد؟	بله=۱۰۰ خیر=۰	
		سپردن اعضا به خانه سالمندان	آیا در بین بستگان شما خانواده‌ای وجود دارد که یکی از اعضای سالخورده خود را به خانه سالمندان سپرده باشد؟	بله=۱۰۰ خیر=۰	
		عدم پابندی به قول در بین اعضا	در خانواده شما افراد تا چه حد به قولی که می‌دهند پابندند؟	کاملاً=۰ نسبتاً=۴۰ گاهی=۶۰ چندان=۸۰ اصلاً=۱۰۰	
	شاخص بی‌ثباتی خانواده		میانگین پنج خرده‌بعد	از ۰ تا ۱۰۰	میانگین نمره افراد در استان
شاخص بی‌ثباتی و سستی		میانگین شاخص طلاق و بی‌ثباتی در خانواده	از صفر تا صد	میانگین نمره در استان	

طبق جدول ۲ نمره نهایی استان‌های مختلف در شاخص «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» از صفر تا صد محاسبه می‌شود. در محاسبه نمره مجموع شاخص، به بعضی از گویه‌ها به دلیل اهمیت بیشتر، می‌توانیم ضریب بالاتری اختصاص دهیم که بر نمره نهایی شاخص «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» در هر استان، تأثیر بیشتری خواهند داشت.

جدول ۳. ماتریس عملیاتی شاخص «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی»

متغیر	ابعاد	خرده‌بعد	نحوه سنجش	پاسخ	نمره در استان
«تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی»	ارتباط حضوری	با والدین/	در سال گذشته از احوال هر یک از بستگان خود چگونه بیشتر خبردار شده‌اید و با آنها رابطه برقرار کرده‌اید؟ در سال گذشته به طور متوسط چند بار در ماه حضوری یا تلفنی با هر یک از آنها در ارتباط بوده‌اید؟	حضوری؛ زندگی باهم	
		با خواهر/		۱۰۰= حضوری؛ بیش از دو بار در ماه=۶۰	
		با برادر/		حضوری؛ یک یا دو بار در ماه=۳۰	
		با فرزند/		عدم ارتباط=۰	
	شاخص ارتباط حضوری		میانگین چهار خرده‌بعد فوق	نمره از ۰ تا ۱۰۰	میانگین نمره افراد در استان
	ارتباط تلفنی	با والدین/	در سال گذشته از احوال هر یک از بستگان خود چگونه بیشتر خبردار شده‌اید و با آنها چگونه بیشتر رابطه برقرار کرده‌اید؟ در سال گذشته به طور متوسط چند بار در ماه حضوری یا تلفنی با هر یک از آنها در ارتباط بوده‌اید؟	تلفنی؛ بیش از دو بار در ماه=۲۰	
		با خواهر/		تلفنی؛ یک یا دو بار در ماه=۱۰	
		با برادر/		عدم ارتباط=۰	
		با فرزند/			
	شاخص ارتباط تلفنی		میانگین چهار خرده‌بعد فوق	نمره از ۰ تا ۱۰۰	میانگین نمره افراد در استان
شاخص تعلق و وابستگی		میانگین شاخص ارتباط حضوری و تلفنی		از صفر تا صد	میانگین نمره در استان

نکته اینکه بین هر گروه از گویه‌های بالا، همبستگی وجود دارد و به همین دلیل گویه‌های مختلف این شاخص، اثر یکدیگر را خنثی نمی‌کنند. در مورد آمار مربوط به نرخ انحرافات اجتماعی نیز باید گفت بسیاری از موارد آن در تحلیل نهایی کنار گذاشته شده‌اند. این امر چند دلیل داشت؛ اول اینکه بعضی از موارد انحرافات همچون قتل و خودکشی به دلیل فراوانی پایین، قابلیت تحلیل و مقایسه استانی را نداشتند. دوم اینکه مصادیق بعضی از این آمارهای به‌دست‌آمده کاملاً مشخص نبود و در تحلیل نهایی نمی‌توانستیم آنها را ذیل آسیب خاصی قرار دهیم. در نهایت بعضی از موارد انحرافات مورد توافق اکثریت مجامع علمی نبوده و به طور حتم انحراف قلمداد نمی‌شدند. همه این موارد باعث شد تعداد زیادی از آمارهای مرتبط با نرخ انحرافات در سطح استان‌ها که ماتریس عملیاتی آن در ادامه می‌آید کنار گذاشته شوند.

جدول ۴. ماتریس عملیاتی شاخص «آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی»

متغیر	ابعاد	نحوه سنجش	پاسخ
سُوءِ اَمَالٍ	سرقت	تقسیم تعداد سرقت واقع شده در سال ۱۳۸۸ بر جمعیت پایه استان و ضرب در ۱۰۰۰۰۰	نرخ آسیب در صد هزار نفر
	نزاع و درگیری	تقسیم تعداد نزاع و درگیری واقع شده در سال ۱۳۸۸ بر جمعیت پایه استان و ضرب در ۱۰۰۰۰۰	نرخ آسیب در صد هزار نفر
	آسیب‌های مرتبط با مواد مخدر	تقسیم تعداد آسیب‌های مرتبط با مواد مخدر واقع شده در سال ۱۳۸۸ بر جمعیت پایه استان و ضرب در ۱۰۰۰۰۰	نرخ آسیب در صد هزار نفر
	فرار از منزل	تقسیم تعداد فرار از منزل واقع شده در سال ۱۳۸۸ بر جمعیت پایه استان و ضرب در ۱۰۰۰۰۰	نرخ آسیب در صد هزار نفر
شاخص انحرافات		میانگین چهار بُعد فوق بعد از استاندارد شدن از طریق فرمول (از ۰ تا ۱۰۰)	

توجه به اینکه کار فوق با روش تحلیل ثانویه انجام شده است، نمی‌توان از روش‌های آماری مرسوم همچون تحلیل عامل برای اثبات اعتبار شاخص سود جست؛ بلکه باید بر دقت جمع‌آوری اطلاعات موجود تأکید کرد. در مورد بخش اول داده‌ها، یعنی پیمایش ملی مذکور، باید بیان داشت که روش نمونه‌گیری این طرح بسیار دقیق است و حجم آن در هر استان به بیش از ۵۰۰ مورد می‌رسد؛ بنابراین به راحتی می‌توانیم تحلیلی استانی بیان کنیم و بر طبق شاخص‌های به‌دست‌آمده از گویه‌ها و سؤالات موجود در پرسشنامه این طرح، قضاوت کنیم که جایگاه یک استان در کنار سایر استان‌ها از نظر شاخص مورد بررسی چگونه است.

در زمینه میزان اعتبار داده‌های ثبتی باید گفت، روش‌های مطالعه در حوزه جامعه‌شناسی کجروی به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که بررسی آمارهای رسمی، متداول‌ترین و پرباشنده‌ترین مطالعه غیر مستقیم کجروی و از نخستین آثار نفوذ علوم طبیعی در حوزه علوم اجتماعی محسوب می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۳). در اینجا نیز برای به‌دست‌آوردن شاخصی که نشان‌دهنده میزان آسیب‌های اجتماعی باشد، از داده‌های ثبتی و رسمی موجود که از نهادهای مختلفی همچون وزارت کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه و نیروی انتظامی اخذ شده‌اند، استفاده شده است.

در مورد پایایی تحقیق حاضر بحث کمتری خواهیم داشت، زیرا از یک جهت شیوه گردآوری اطلاعات مربوط به هر دو بخش تحقیق، یعنی روابط خویشاوندی و انحرافات اجتماعی نزدیک به هم است؛ به عبارت دیگر از آنجا که شاخص مورد استفاده در پیمایش در

سطح استان بررسی می‌شود و اطلاعات جمع‌آوری شده در سطح شهرها و روستاهای هر استان، بر اساس نمونه‌گیری با خطای نازل به‌دست آمده است، خطاهای تصادفی موجود در هنگام محاسبه شاخص برای هر استان، یکدیگر را خنثی کرده و اعتبار تحقیق تأمین می‌شود. در مورد نرخ‌های مرتبط با انحرافات اجتماعی در سطح استان‌ها نیز دقیقاً همین اتفاق می‌افتد و با خنثی شدن خطاهای تصادفی مرتبط با گردآوری آمار جرائم، مقایسه این دو مقوله پایایی بالایی خواهد داشت.

تحلیل نتایج و یافته‌ها

در این قسمت به بررسی مدل و فرضیه‌های تحقیق خواهیم پرداخت. آنچه در مدل و چارچوب نظری نهایی پژوهش حاضر بر آن تأکید داشتیم، تأثیر دو شاخص اصلی یعنی شاخص «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» و شاخص «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی» و ابعاد آنها، بر میزان آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در سطح استان‌ها بوده است. نکته مهم اینجاست که برای به‌دست‌آوردن شاخص نهایی برای نرخ آسیب‌ها در هر استان به راحتی نمی‌توان نرخ آسیب‌ها و انحرافات مختلف را در کنار هم قرار داد؛ دلیلی وجود ندارد که وقتی یک انحراف و جرم خاص در استانی بالا است، انحراف دیگر نیز بالا باشد. البته می‌توان با کمی اغماض از مجموع مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی شاخصی نهایی به‌دست آورد که در این قسمت نیز به همین شکل عمل شده است؛ با این کار شاخص انحرافات اجتماعی برای هر استان به‌دست آمده است.

در خصوص «مقایسه استانی» و «تحلیل داده‌ها بر پایه مقایسه استان‌ها» باید گفت در این تحقیق ارتباط بین روابط خویشاوندی و انحرافات اجتماعی در هر یک از استان‌ها سنجیده نشده است. بلکه کل استان‌ها به لحاظ شاخص روابط خویشاوندی و شاخص انحرافات اجتماعی در کنار هم قرار داده شدند تا ارتباط بین این دو شاخص مشخص شود. در هر صورت برای فهم بهتر مخاطب جداول توصیفی استان‌ها اضافه شد تا خواننده بداند جداول همبستگی بر پایه مقایسه استان‌ها به‌دست آمده‌اند.

جدول ۵. گروه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی»

استان‌های هر گروه	میزان بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی
خوشه ۲: ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، هرمزگان، یزد، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد.	بسیار پایین
خوشه ۱: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، خوزستان، زنجان، سمنان، قزوین، کرمان، گلستان، لرستان.	نسبتاً پایین
خوشه ۴: خراسان شمالی، فارس، مرکزی.	متوسط
خوشه ۵: قم، کرمانشاه، گیلان، مازندران، همدان.	نسبتاً بالا
خوشه ۳: تهران، خراسان رضوی، کردستان.	بسیار بالا

جدول ۶. گروه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی»

استان‌های هر گروه	میزان تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی
خوشه ۳: اصفهان، سمنان.	بسیار پایین
خوشه ۲: یزد، مازندران، گیلان، قم، فارس، قزوین، تهران، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان غربی.	نسبتاً پایین
خوشه ۱: آذربایجان شرقی، اردبیل، بوشهر، لرستان، همدان.	متوسط
خوشه ۵: خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، کرمان، گلستان، مرکزی.	نسبتاً بالا
خوشه ۴: ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان.	بسیار بالا

جدول ۷. گروه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص «انحرافات اجتماعی»

استان‌های هر گروه	میزان انحرافات اجتماعی
خوشه ۲: آذربایجان غربی، بوشهر، خراسان جنوبی، زنجان، کردستان، کرمان، گلستان، مازندران، سیستان و بلوچستان.	بسیار پایین
خوشه ۳: اصفهان، خراسان رضوی، سمنان، فارس، قم، مرکزی، یزد.	نسبتاً پایین
خوشه ۵: کرمانشاه.	متوسط
خوشه ۱: آذربایجان شرقی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، خوزستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان، هرمزگان، همدان.	نسبتاً بالا
خوشه ۴: تهران.	بسیار بالا

برای سنجش رابطه دو متغیر کمی از ضریب همبستگی پیرسون یا همان r استفاده می‌کنیم که عبارت است از ضریب زاویه یا شیب خط رگرسیون دو متغیر کمی که اندازه‌های آنها به صورت اندازه‌های استاندارد بیان شده باشد (نایی، ۱۳۸۷: ۱۶۴). از آنجایی که در این

تحقیق به تمام‌شماری استان‌ها پرداختیم و به دلیل اخذ کامل نرخ مربوط به آسیب‌ها، نیازی به توجه به سطح معناداری و مقدار p-value که جزیی از آمار استنباطی است نخواهیم داشت و در تحلیل نهایی تنها باید بر شدت روابط تأکید داشته باشیم. در ادامه به بررسی هریک از فرضیه‌های این تحقیق خواهیم پرداخت.

فرضیه اصلی اول تحقیق که خود دو فرضیه فرعی هم به دنبال دارد، بیان می‌کند که بین «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه مستقیم و صعودی وجود دارد. آزمون این فرضیه در جدول آمده است.

جدول ۸. رابطه «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» با هر یک از انحرافات اجتماعی و شاخص آن

فرار از منزل	مرتبط با مواد مخدر	نزاع و درگیری	سرقت	شاخص انحرافات	انحرافات	
					شاخص‌های خویشاوندی	
۰/۱۰۶	۰/۴۰۴	۰/۴۸۶	۰/۳۸۹	۰/۴۵۷	۰/۴۵۷	شاخص بی‌ثباتی و سستی
۰/۲۸۹	۰/۰۱۳	۰/۰۰۳	۰/۰۱۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	شبکه خویشاوندی

با استفاده از ضریب پیرسون رابطه بین این دو متغیر کمی را آزمون کردیم. همان طور که جدول نشان می‌دهد، نتایج به دست آمده فرض ما را تأیید می‌کند. در تفسیر نهایی می‌توان گفت مقدار این ضریب همبستگی مبین آن است که به ازای یک واحد انحراف استاندارد افزایش در بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی، حدود ۰/۴۶ انحراف استاندارد به میزان انحرافات اجتماعی افزوده می‌شود. بین این دو متغیر پیوستگی مثبت متوسط وجود دارد. همچنین نتایج این جدول نیز نشان می‌دهد که این شاخص با «فرار از منزل» کمترین و با «نزاع و درگیری» بیشترین ارتباط را دارد.

فرضیه فرعی بعدی بیان می‌دارد بین «گسستگی خانواده» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه مستقیم و صعودی وجود دارد. آزمون این فرضیه در جدول آمده است.

جدول ۹. رابطه «گسستگی خانواده» با هر یک از انحرافات اجتماعی

فرار از منزل	مرتبط با مواد مخدر	نزاع و درگیری	سرقت	شاخص انحرافات	انحرافات	
					شاخص‌های خویشاوندی	
۰/۱۳۹	۰/۴۲۴	۰/۴۹۴	۰/۳۹۹	۰/۴۸۲	همبستگی (r)	شاخص گسستگی خانواده
۰/۲۳۱	۰/۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۱۵	۰/۰۰۴	سطح معناداری (Sig)	

نتایج به دست آمده فرض ما را تأیید می‌کند. در تفسیر نهایی می‌توان گفت مقدار این ضریب همبستگی مبین آن است که به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد افزایش در «گسستگی خانواده»، حدود $0/48$ انحراف استاندارد به میزان انحرافات اجتماعی افزوده می‌شود. بین این دو متغیر پیوستگی مثبت متوسط وجود دارد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که این شاخص با «فرار از منزل» کمترین و با «نزاع و درگیری» بیشترین ارتباط را دارد.

فرضیه فرعی دیگر بیان می‌دارد که بین «بی‌ثباتی خانواده» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه مستقیم و صعودی وجود دارد. آزمون این فرضیه در جدول آمده است.

جدول ۱۰. رابطه «بی‌ثباتی خانواده» با هر یک از انحرافات اجتماعی

شاخص‌های خویشاوندی	انحرافات	شاخص انحرافات	سرقت	نزاع و درگیری	مرتبط با مواد مخدر	فرار از منزل
شاخص بی‌ثباتی خانواده	همبستگی (r)	۰/۱۹۲	۰/۱۹۸	۰/۲۶۲	۰/۱۷۷	-۰/۰۴۰
	سطح معناداری (Sig)	۰/۱۵۴	۰/۱۴۷	۰/۰۸۱	۰/۱۷۵	۰/۴۱۶

با استفاده از ضریب پیرسون رابطه بین این دو متغیر کمی را آزمون کردیم که نتایج به دست آمده فرض ما را تأیید می‌کند. در تفسیر نهایی می‌توان گفت مقدار این ضریب همبستگی مبین آن است که به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد افزایش در «گسستگی خانواده»، حدود $0/۱۹$ انحراف استاندارد به میزان انحرافات اجتماعی افزوده می‌شود. بین این دو متغیر پیوستگی مثبت کم وجود دارد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که این شاخص با «فرار از منزل» کمترین و با «نزاع و درگیری» بیشترین ارتباط را دارد.

فرضیه اصلی دوم تحقیق که خود دو فرضیه فرعی هم به دنبال دارد، بیان می‌دارد که بین «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه معکوس و نزولی وجود دارد. آزمون این فرضیه در جدول آمده است.

جدول ۱۱. رابطه «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی» با هر یک از انحرافات اجتماعی

شاخص‌های خویشاوندی	انحرافات	شاخص انحرافات	سرقت	نزاع و درگیری	مرتبط با مواد مخدر	فرار از منزل
شاخص تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی	همبستگی (r)	-۰/۵۴۱	-۰/۳۷۹	-۰/۲۰۲	-۰/۴۷۶	-۰/۵۲۰
	سطح معناداری (Sig)	۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	۰/۱۴۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲

با استفاده از ضریب پیرسون رابطه بین این دو متغیر کمی را آزمون کردیم که نتایج به دست آمده فرض ما را تأیید می‌کند. در تفسیر نهایی می‌توان گفت مقدار این ضریب همبستگی مبین آن است که به ازای یک واحد انحراف استاندارد افزایش در «تعلق و وابستگی به شبکه خویشاوندی»، حدود ۰/۵۴ انحراف استاندارد از میزان انحرافات اجتماعی کم می‌شود. بین این دو متغیر پیوستگی منفی محکم وجود دارد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که این شاخص با «نزاع و درگیری» کمترین و با «فرار از منزل» بیشترین ارتباط را دارد. فرضیه فرعی دیگر بیان می‌دارد که بین «ارتباط حضوری با بستگان» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه معکوس و نزولی وجود دارد. آزمون این فرضیه در جدول آمده است.

جدول ۱۲. رابطه «ارتباط حضوری با بستگان» با هر یک از انحرافات اجتماعی

شاخص‌های خویشاوندی	انحرافات				
	شاخص	سرق	نزاع و درگیری	مرتبط با مواد مخدر	فرار از منزل
شاخص ارتباط حضوری با بستگان	همبستگی (r)	-۰/۵۳۷	-۰/۳۸۴	-۰/۲۰۳	-۰/۴۷۷
	سطح معناداری (Sig)	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	۰/۱۴۱	۰/۰۰۴

با استفاده از ضریب پیرسون رابطه بین این دو متغیر کمی را آزمون کردیم که نتایج فرض ما را تأیید می‌کند. در تفسیر نهایی می‌توان گفت مقدار این ضریب همبستگی مبین آن است که به ازای یک واحد انحراف استاندارد افزایش در «ارتباط حضوری با بستگان»، حدود ۰/۵۴ انحراف استاندارد از میزان انحرافات اجتماعی کاسته می‌شود. بین این دو متغیر پیوستگی منفی محکم وجود دارد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که این شاخص با «نزاع و درگیری» کمترین و با «فرار از منزل» بیشترین ارتباط را دارد. فرضیه فرعی پایانی بیان می‌دارد که بین «ارتباط تلفنی با بستگان» و میزان انحرافات اجتماعی رابطه معکوس و نزولی وجود دارد. آزمون این فرضیه در جدول آمده است.

جدول ۱۳. رابطه «ارتباط تلفنی با بستگان» با هر یک از انحرافات اجتماعی

شاخص‌های خویشاوندی	انحرافات				
	شاخص	سرق	نزاع و درگیری	مرتبط با مواد مخدر	فرار از منزل
شاخص ارتباط تلفنی با بستگان	همبستگی (r)	۰/۰۹۵	۰/۱۸۳	۰/۰۸۵	۰/۱۴۵
	سطح معناداری (Sig)	۰/۳۰۹	۰/۱۶۶	۰/۳۲۸	۰/۲۲۲

با استفاده از ضریب پیرسون رابطه بین این دو متغیر کمی را آزمون کردیم که نتایج فرض ما را رد می‌کند. در تفسیر نهایی می‌توان گفت مقدار این ضریب همبستگی مبین آن است بین این دو متغیر هیچ‌گونه پیوستگی منفی وجود ندارد. نتایج این جدول نیز نشان می‌دهد که این شاخص تنها با «فرار از منزل» پیوستگی منفی کم دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که به بررسی تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در سطح جامعه پرداخته است، نشان می‌دهد که محیط خانواده به عنوان نهادی تأثیرگذار، آثار انکارناپذیری بر میزان انحرافات اجتماعی دارد. از میان رویکردهای مختلف تبیین‌کننده علل وقوع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، نظریه کنترل، با تأکید بر نقش پیوندهای اجتماعی به عنوان سدی در برابر ارتکاب به رفتارهای کجروانه، توانست پشتوانه نظری محکم و قابل دفاعی برای تحقیق حاضر فراهم آورد. از میان رویکردهای گوناگون این نظریه، بیش از همه از نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم و پیوند اجتماعی هیرشی استفاده شد، دورکیم معتقد است اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن هم‌نواپی بیشتری با ارزش‌های جامعه خواهند داشت. هیرشی نیز بیان می‌دارد عناصر سه‌گانه وابستگی، تعهد و مشارکت، تقویت‌کننده پیوند اجتماعی فرد با خانواده و از آن طریق با جامعه خواهند بود که عامل بازدارنده کجرفتاری در بین افراد محسوب می‌شود. ایوان نای و رابرت سامپسون و جان لوب نیز با تأکید بر نقش روابط خانوادگی باثبات در کاهش گرایش افراد به اعمال مجرمانه و آسیب‌های اجتماعی و تأثیر سستی روابط عاطفی خانواده در افزایش آسیب‌های اجتماعی، نشان داده‌اند که توجه به خانواده در بررسی مسائل اجتماعی به طور عام و آسیب‌ها، انحرافات و جرائم مختلف به طور خاص، اهمیت بسیار دارد.

فرضیه اصلی پژوهش این است که در استان‌هایی که پیوندها و روابط خویشاوندی رو به سستی می‌نهد، آسیب‌های اجتماعی بیشتری گریبان گیر آن منطقه می‌شود؛ در مقابل با تقویت پیوند افراد با خانواده و خویشاوندان خود، آسیب‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت. در این تحقیق برای اثبات این موضوع دو فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی مطرح شد که در مجموع پنج فرضیه تأیید و اثبات شد. فرضیه اصلی اول بیان می‌کند که بین «بی‌ثباتی و سستی شبکه خویشاوندی» و «میزان انحرافات اجتماعی» رابطه مستقیم و صعودی وجود دارد. تحلیل‌های

آماري نشان داد بين اين دو متغير پيوستگي مثبت متوسطي وجود دارد. به طوري كه هرچه ميزان بي‌ثباتي و سستي در خانواده‌ها افزايش يابد، ميزان انحرافات در آن جامعه بيشتر مي‌شود. مطابق فرض دوم بين «تعلق و وابستگي به شبكه خويشاوندی» و «ميزان انحرافات اجتماعي» رابطه معكوس و نزولي وجود دارد. اثبات اين فرضيه نشان مي‌دهد بين اين دو متغير پيوستگي منفي محكم وجود دارد؛ به عبارت ديگر در استان‌هايي كه افراد تعلق و وابستگي بيشترى به خانواده‌ها دارند، آسيب‌هاي اجتماعي كمترى وجود خواهد داشت؛ يعنى هر چقدر در يك استان شاهد بي‌ثباتي بيشترى در خانواده‌ها و احساس تعلق كمتر افراد به خانواده باشيم، ميزان آسيب‌ها و انحرافات اجتماعي نيز در آن استان بالاتر خواهد بود.

آزمون فرضيات فرعي اين تحقيق نشان مي‌دهد بين «گسستگي خانواده» و ميزان انحرافات اجتماعي در سطح جامعه، پيوستگي مثبت متوسطي وجود دارد. در مورد فرض تأثير شاخص «بي‌ثباتي خانواده» نيز همين نتيجه به اثبات رسيد. با افزايش ميزان اين دو متغير در سطح استان‌ها، بر ميزان انحرافات اجتماعي نيز افزوده خواهد شد. دو فرضيه پاياني تحقيق كه به بررسي تأثير منفي دو شاخص «ارتباط حضوري با بستگان» و «ارتباط تلفني با بستگان» بر آسيب‌هاي اجتماعي پرداخته‌اند، نشان مي‌دهند بين روابط حضوري با خويشاوندان و ميزان انحرافات اجتماعي پيوستگي منفي و محكم وجود دارد؛ به عبارت ديگر با افزايش روابط حضوري و رودرروي افراد با خانواده، بستگان و خويشاوندان، از ميزان انحرافات اجتماعي كاسته مي‌شود. در مورد فرضيه ديگر، همبستگي معناداري ديده نشد. مي‌توان گفت آنچنان كه روابط حضوري افراد با ايجاد كنترل و نظارت اجتماعي، باعث كاهش گرايش آنها به انواع كجرفتاري‌ها و بزهكاري‌ها مي‌شود، ارتباط تلفني تأثير چندانى بر اين موضوع ندارد؛ اين تنها فرضيه تحقيق بود كه تأييد نشد.

در دنياي امروز بسياري از افراد همچنان داراي ارتباطات خويشاوندی مستحكمي‌اند، در حالي كه اين تصور وجود داشت كه با تشديد روند صنعتي‌شدن جوامع، تقويت خانواده هسته‌اي و پذيرش اين نوع خانواده به عنوان شكل مطلوب خانواده، شبكه‌هاي خويشاوندی اعتبار و قدرت خود را از دست بدهند (ريبنز و ادواردز، ۱۳۹۰: ۲۷۳). در بسياري از كشورها از جمله ايران، اين موضوع تحقق پيدا نكرد و شواهد تجربى نيز اين را نشان مي‌دهد. در كشور ما هنوز خانواده به عنوان يكي از ارکان اصلي نظام اجتماعي، نقش‌ها و كاركردهاي گوناگوني بر عهده دارد. در پژوهش حاضر يكي از اين نقش‌هاي خطير و اثرگذار، يعنى تأثير خانواده بر

درونی کردن هنجارها و ارزش‌های جامعه از طریق نظارت غیر مستقیم که می‌تواند باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی در سطح جامعه شود، بررسی شد.

در پایان باید افزود روابط مبتنی بر خویشاوندی، شیوه‌ای است که از طریق آن افراد با گذشته و آینده خود رابطه برقرار می‌کنند و به تاریخچه خانوادگی خود پی می‌برند، خویشاوندی در زندگی روزمره افراد نیز حضور دارد و برخلاف این باور غلط که «دوست می‌تواند جای خویشاوند را پر کند»، خویشاوند همچنان از ارزش خاصی نزد افراد برخوردار است. می‌توان گفت همین پیوندهای خویشاوندی است که مبنای توقعات، الزامات و تعهدات واقع می‌شود و در هویت‌بخشیدن به افراد نقش مؤثری ایفا می‌کند.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). موارد اعلام‌نشده جرم: مشکلات جمع‌آوری آمارهای جنایی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. شماره اول و دوم، سال سی‌ام.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). *خانواده‌ها در دنیای امروز*. ترجمه محمدمهدی لیبی. نشر افکار.
- حسینی‌نثار، مجید. فیوضات، ابراهیم (۱۳۹۰). *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*. نشر پژوهاک.
- حق‌شناس، جعفر (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی خانواده*. نشر مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۷). *قواعد روش جامعه‌شناختی*. ترجمه علی محمد کاردان. انتشارات دانشگاه تهران.
- رایینگتن، ارل. واینبرگ، مارتین (۱۳۸۶). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی. انتشارات دانشگاه تهران.
- ریبنزک‌کارتی، جین. ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*. ترجمه محمدمهدی لیبی. نشر علم.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده در ایران*. مجموعه مقالات *آسیب‌شناسی خانواده*. نشر مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. انتشارات سروش.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۸*. چاپخانه مرکز آمار ایران.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۱). *آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات*. انتشارات آوای نور.
- سلیمی، علی. داوری، محمد (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی*. مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی. کتاب اول، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قائم‌مقامی، فرهنگ (۱۳۵۵). *نظام‌گسیختگی و انحرافات اجتماعی*. انتشارات روشنفکر.

کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. انتشارات سمت.
 محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. انتشارات طهوری.
 ممتاز، فریده (۱۳۸۷). انحرافات اجتماعی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. شرکت سهامی انتشار.
 نایی، هوشنگ (۱۳۸۷). برنامه کامپیوتری آمار در علوم اجتماعی. اس پی اس اس، انتشارات روش.
 ولد، جرج. برنارد، توماس. اسنپس، جفری (۱۳۸۸). جرم‌شناسی نظری؛ گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه علی شجاعی. انتشارات سمت.

- Black, Donald (1976). *Behaviour of Law*. Emerald Group Publishing, Howard house, Wagon lane.
 Clinard, Marshall B (1964). *Anomie and deviant behavior: a discussion and critique*. New York, free press.
 Cohen, Albert K. (1968). Deviant behavior, in sills. David L. *International Encyclopedia of the Social Sciences*. Vol 4, New York: McMillan Company & the free press.
 Coleman, James (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of sociology*. N. 94.
 Darity Jr. William A. (2008). *International Encyclopedia of the Social Sciences*. 2nd edition, Macmillan Reference USA, An imprint of The Gale Group.
 Downes, David. Rock, Paul (1998). *Understanding deviance: a guide to sociology of crime and rule breaking*. 3d Ed, oxford university press.
 Goode, Erich. (1997). *Deviant Behavior*. 5th ed. Upper Saddle, River, NJ: Prentice Hall. 7th ed. 2005.
 Hirschi, Travis (1969). *Causes of delinquency*. University of California press, Berkeley.
 Nye, F. Ivan (1958). *Family relationships and delinquent behavior*. John Wiley, New York.
 Sampson, Robert J. Johen laub (1993). *Crime in the making, pathways and turning points through life*. Cambridge, Harward university press.
 Smelser, Neil J. (1988). *Handbook of Sociology*. Newbury Park, Calif: SagePublications.
 Tittle, Charles R. (1995). *Control balance: toward a general theory of deviance*. westview press, boulder, Colo.
 Toby, Jackson (1957). Social disorganization and stake in conformity: complementary factors in the predatory behavior of hoodlums. *Journal of criminal low, criminology and police science*. N. 48.
 Turner, Bryan S. (2006). *The Cambridge dictionary of sociology*. Cambridge University Press.